

تدریس صریح و ضمنی واژگان تخصصی اقتصاد و تأثیر آن بر  
یادگیری و نگاهداشت ذهنی

عادله حیدری<sup>۱</sup>

عزیزاله دباغی<sup>۲</sup>

حسین براتی<sup>۳</sup>

چکیده

مطالعه حاضر با الهام از زبان‌شناسی شناختی و به‌ویژه نظریه استعاره‌های مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰)، تأثیر روش تفصیل ریشه‌ای به عنوان یک روش تدریس صریح که برگرفته از این مکتب است را با روش‌های رایج دیگر تدریس واژگان تخصصی زبان انگلیسی با اهداف ویژه (اقتصاد) یعنی آموزش واژگان از طریق ارائه معادل‌های فارسی، تعاریف انگلیسی و روش تدریس ضمنی را مقایسه کرد. یافته‌های پژوهش حاکی از برتری روش تفصیل ریشه‌ای بر سایر روش‌ها و برتری تدریس صریح بر روش ضمنی است.

واژگان کلیدی: تدریس صریح، تدریس ضمنی، نظریه استعاره‌های مفهومی، روش تفصیل ریشه‌ای.

دوره سیزدهم شماره ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

۱. دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی دانشگاه اصفهان

adelehheidari@gmail.com

۲. دانشیار دانشگاه اصفهان

azizollahd@hotmail.com

۳. دانشیار دانشگاه اصفهان

H.Barati@gmail.com

## مقدمه

در حوزه فراگیری زبان، چه یادگیری زبان عمومی و چه یادگیری آن با اهداف ویژه، طبق یافته‌های مطالعات متعدد (از جمله ساویل ترویک، ۱۹۸۴؛ نیشن و مییرا، ۲۰۰۲؛ لوفر و گلدشتاین، ۲۰۰۴) دانش واژگان، معادل با موفقیت در مهارت‌های مختلف زبانی محسوب شده است. اهمیت دانش واژگان تا حدی است که برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که یادگیری یک زبان خارجی به میزان زیادی به معنی یادگیری واژگان آن زبان است (گاس، ۱۹۹۹).

در بین گروه‌های مختلف واژگان مورد نیاز برای یادگیری توسط زبان‌آموزان، استعاره‌های مفهومی نقش مهمی در یادگیری واژگان ایفا می‌کنند. این استعاره‌ها، بر طبق نظریه استعاره‌های مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰)، متأثر از ادراکات ذهنی ما و نشانگر رابطه بین حوزه‌های مبدأ و حوزه‌های مقصد هستند. منظور از حوزه‌ی مبدأ، یک حوزه‌ی عینی ملموس است که به درک انتقال مفاهیم یک حوزه‌ی انتزاعی (حوزه مقصد) کمک می‌کند. به عنوان مثال، عبارت "او از موضع خود دفاع کرد" نمونه‌ای از استعاره‌ی مفهومی "مباحثه جنگ است" می‌باشد که در آن حوزه‌ی مبدأ، "جنگ" و حوزه‌ی مقصد، "مباحثه" است (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰).

به دلیل وفور این استعاره‌ها، هم در زندگی روزمره و هم در زبان تخصصی علوم مختلف، توجه به آنها در فرایند آموزش زبان، و به ویژه در تدریس زبان انگلیسی با اهداف ویژه، مورد تأکید زیادی قرار گرفته است. برخی صاحب‌نظران معتقدند که توجه به این استعاره‌ها و افزایش آگاهی زبان‌آموزان نسبت به آنها، نه تنها در یادگیری واژگان و نگاهداشت ذهنی آنها برای مدت طولانیتر، مؤثر هستند (بورن، ۲۰۰۰)، بلکه باعث ایجاد "توانش فرا فرهنگی" در زبان‌آموزان می‌شوند (میر، ۱۹۹۱). همچنین، مک لنان (۱۹۹۴) معتقد است یادگیری الگوهای رایج استعاره‌ی، یادگیری واژگان و دستور زبان را تسهیل می‌کند. هررا و وایت (۲۰۰۰) و وایت (۲۰۰۳)، بر این باورند که از آنجا که توجه به استعاره‌های مفهومی مبتنی بر زبان‌شناسی شناختی است، می‌تواند در تقویت حافظه، قدرت یادآوری و عملکرد بهتر در آزمون‌ها، به فراگیران کمک کند. در زمینه‌ی زبان انگلیسی با اهداف ویژه، به عقیده‌ی اسناجر (۲۰۱۰)، تدریس واژگان تخصصی و نیمه تخصصی مبتنی بر استعاره‌ها، معمولاً زبان‌آموزان را با مشکل مواجه می‌کند و این مشکل، به نوبه‌ی خود، خواندن متون تخصصی را برای فراگیران دشوار می‌کند.

بنابراین به نظر میرسد این استعاره‌ها در حوزه‌ی تدریس و یادگیری زبان خارجی، از جایگاه خاصی برخوردار هستند.

در بین رشته‌های تخصصی مختلف، علم اقتصاد از جمله حوزه‌هایی است که استعاره‌ها نقش مهمی در انتقال مفاهیم و ایدئولوژی ایفا می‌کنند (هندرسون، ۱۹۸۲، ۱۹۹۴؛ جفرین، ۱۹۸۲؛ مک کلاسی، ۱۹۸۵؛ ماتا و لمرسیر، ۲۰۱۱؛ رچه، ۲۰۱۲). به طور مثال، کلماتی مانند "نسخه" و "درمان" در اقتصاد، به شیوه‌ای که در علم پزشکی مورد استفاده قرار می‌گیرند، استفاده نمی‌شوند، بلکه از علم پزشکی برای انتقال مفاهیم اقتصادی، قرض گرفته شده‌اند. بنابراین، طبق گفته‌ی بورز (۲۰۰۰) و بورز و دیگران (۲۰۰۴)، می‌توان با جلب توجه فراگیران به حوزه‌های مبدأ استعاره‌ها در اقتصاد و علوم دیگر، به یادگیری این واژه‌ها و نگاهداشت ذهنی آنها کمک کرد. بورز و دیگران (۲۰۰۴) به عنوان یکی از ابزارهای رسیدن به این هدف، یعنی تدریس مفاهیم مبتنی بر استعاره، روش "تفصیل ریشه‌ای"، یعنی اشاره‌ی صریح به حوزه‌ی مبدأ مفاهیم که در ابتدا این واژه‌ها به کار میرفته‌اند، را معرفی می‌کنند. مثلاً برای توصیف کلمه‌ی prune (تعدیل نیرو در یک مجموعه) می‌توانیم به استعاره‌ی "اقتصاد، باغبانی است" اشاره کنیم، آن را "هرس کردن درختان" معنی کنیم و از فراگیران بخواهیم خودشان مفهوم این کلمه را در اقتصاد حدس بزنند.

کاربرد این روش، چه در ایران و چه در کشورهای دیگر، در تدریس اصطلاحات و ضرب المثله‌ها و افعال مرکب، مورد مطالعه‌ی زیادی قرار گرفته است، اما در حوزه‌ی تدریس زبان تخصصی اقتصاد، کمتر به آن پرداخته شده است (بورز، ۲۰۰۰). تحقیق حاضر در نظر دارد کاربرد این روش را به‌عنوان یکی از روش‌های تدریس صریح واژگان، با روش‌های رایج تدریس زبان تخصصی اقتصاد در ایران (ارائه معادل فارسی، تعاریف انگلیسی و روش تدریس ضمنی) مقایسه و تأثیر روش‌های مختلف را بر یادگیری واژه‌های اقتصادی و نگاهداشت ذهنی آنها را در بین دانشجویان رشته اقتصاد دانشگاه اصفهان، بررسی کند.

## سوالات پژوهش

۱- آیا روش تدریس واژگان (تفصیل ریشه‌ای، معادل فارسی، تعریف انگلیسی و تدریس ضمنی) بر یادگیری لغات تخصصی و نیمه تخصصی مبتنی بر استعاره در

اقتصاد توسط دانشجویان این رشته تأثیر معناداری دارد؟  
۲- آیا روش تدریس واژگان (تفصیل ریشه‌ای، معادل فارسی، تعریف انگلیسی و تدریس ضمنی) بر نگاهداشت ذهنی لغات تخصصی و نیمه تخصصی مبتنی بر استعاره در اقتصاد توسط دانشجویان این رشته تأثیر معناداری دارد؟

### چارچوب نظری

از زمان چاپ کتاب معروف لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) با عنوان "استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم"، دیگر استعاره‌ها فقط به عنوان آرایه‌های متنی که به وضوح متن کمک می‌کنند، محسوب نمی‌شوند، بلکه آنها نقش مهمی در ساختار ذهنی ما و در نتیجه زبان دارند" (دیگنان، ۲۰۰۵، ص ۷۳). لیکاف و جانسون (۱۹۸۰)، استعاره را "فهمیدن و تجربه کردن یک چیز در قالب چیز دیگر یا به عنوان نگاشت نسبی یا مجموعه‌ای از تطابق‌های بین دو حوزه‌ی مفهومی به نام‌های حوزه‌های مبدأ و مقصد" تعریف می‌کنند. حوزه‌ی مبدأ، مفهوم ابتدایی‌تری است که معمولاً به آسانی از طریق تجربیات فیزیکی، قابل درک است. برای مثال در جمله‌ی "جملات زیادی در این گزارش هستند که برای من قابل هضم نیستند"، مفهوم "هضم کردن" از استعاره‌ی "ایده‌ها غذا هستند" برگرفته شده است که در آن "غذا"، حوزه‌ی مبدأ و "ایده‌ها"، حوزه‌ی مقصد هستند.

با در نظر گرفتن فراوانی استعاره‌ها در زبان روزمره، باید به آموزش راهبردهایی برای درک و ساختن استعاره‌ها در زبان دوم، توجه بیشتری شود (دیگنان و دیگران، ۱۹۹۷). برای مثال، لو (۱۹۸۸)، بر نیاز فراگیران به اکتساب "توانش استعاری"، آگاهی از استعاره‌ها، و راهبردهایی برای درک و تولید استعاره‌ها تأکید می‌کند. به گفته‌ی مییر (۱۹۹۱)، یادگیری استعاره‌ها به زبان‌آموزان کمک می‌کند توانایی بروز رفتار مناسب به شیوه‌ی انعطاف‌پذیر در هنگام مواجهه با کنش‌ها، نگرش‌ها، و انتظارات نمایندگان فرهنگ‌های دیگر (توانش بین فرهنگی) را به دست آورند. دانسی (۱۹۹۳) عملکرد ضعیف فراگیران زبان دوم در یادگیری عبارت‌های استعاری را فقدان "تسلط مفهومی"، یعنی توانایی بیان منظور خود از طریق مفاهیم مثل یک گوینده‌ی اصیل می‌داند.

جایگاه استعاره‌های مفهومی نه تنها در انگلیسی برای اهداف عمومی مورد توجه است، بلکه در زبان تخصصی و علمی هم مطرح است (هندرسون، ۱۹۹۴). تعداد زیادی از صاحب‌نظران زبان‌شناسی شناختی آموزش‌محور (لیندستروم‌برگ، ۱۹۹۱؛

بورز، ۲۰۰۰؛ چارتریز بلک، ۲۰۰۰؛ چارتریز بلک و انیس، ۲۰۰۱؛ لیتلمور، ۲۰۰۲؛ وایت، ۲۰۰۳؛ چارتریز بلک و موسولف، ۲۰۰۳؛ کابالرو، ۲۰۰۳؛ بورز و دیگران، ۲۰۰۴؛ بورز و لیندسترومبرگ، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸؛ رچه، ۲۰۱۲؛ بورز، ۲۰۱۳ و ... خواستار استفاده از جستارهای زبان‌شناسی شناختی و به خصوص نظریه‌ی استعاره‌های مفهومی در حوزه‌ی آموزش زبان انگلیسی با اهداف ویژه و به طور خاص، در زمینه‌ی تدریس واژگان تخصصی و نیمه تخصصی هستند.

به منظور توجیه استفاده از روش مبتنی بر زبان‌شناسی شناختی در تدریس واژگان، بورز و لیندسترومبرگ (۲۰۰۸) به یکی از ویژگی‌های بارز زبان‌شناسی شناختی، یعنی "انگیزش" اشاره می‌کنند. برخلاف سایر پارادایم‌ها که زبان را اساساً تصادفی قلمداد می‌کنند، از منظر زبان‌شناسی شناختی، انگیزش در زبان، اصولی و فراگیر است. منظور از انگیزش این است که معنی اشکال زبانی مختلف از تجربیات محیط فرهنگی، اجتماعی و فیزیکی فرد ناشی می‌شود. پیرو این دیدگاه، بورز و دیگران (۲۰۰۴) عقیده دارند که بسیاری از واژه‌ها "برانگیخته" هستند؛ به این معنی که می‌توان آنها را به مجموعه‌ی کوچکی از حوزه‌های مبدأ عینی نسبت داد که باعث درک ما از حوزه‌های مقصد از طریق استعاره‌های مفهومی، می‌شوند. این مفهوم برانگیختگی می‌تواند تأثیرات مثبتی در آموزش زبان با خود به همراه داشته باشد.

در درجه‌ی اول، بورز و لیندسترومبرگ (۲۰۰۸) ادعان دارند که ارائه‌ی عناصر زبانی براساس این مفهوم برانگیختگی، می‌تواند به درک عمیق‌تر این عناصر از طریق فعال‌سازی شبکه‌های معنایی کمک کند. برای مثال ارائه‌ی معنی کلمه‌ی infant در عبارت "the infant company" با روشن‌کردن معنی اصلی آن (نوزاد، تازه متولد شده) و مطابقت آن با استعاره‌ی "اقتصاد یک انسان است"، می‌تواند به درک بهتر معنی کلمه در بافت زبان اقتصاد (نو ظهور، نو بنیاد) منجر شود.

دوم اینکه، به‌گفته‌ی بارکوفت (۲۰۰۲)، "انگیزش" می‌تواند به دلیل اینکه منجر به پدیده‌ای به نام "تفصیل" در زبان‌شناسی کاربردی می‌شود، موجب نگاهداشت ذهنی شود. بورز و لیندسترومبرگ (۲۰۰۶) به دو نوع تفصیل اشاره می‌کنند: تفصیل معنایی (انجام یک عملیات ذهنی در رابطه با معنی کلمات یا عبارات) و تفصیل ساختاری (انجام یک عملیات ذهنی در رابطه با شکل کلمات یا عبارات). تفصیل از این جهت که طبق نظریه‌ی "سطوح پردازش" سرمایه‌ی و کرایک (۱۹۷۹)، منجر به پردازش اطلاعات در

سطحی نسبتاً عمیق می‌شود و باعث نگاهداشت اطلاعات در ذهن می‌شود، می‌تواند بسیار سودمند باشد. این نوع پردازش عمیق، "کدگذاری دوگانه" نامیده می‌شود چرا که علاوه بر تصویر زبانی یک کلمه، یک تصویر عینی هم از یک مفهوم مرتبط در حوزه‌ی مبدأ به آن اضافه می‌شود.

سوم اینکه، برجسته کردن برانگیختگی عناصر زبانی باعث افزایش آگاهی عملی و فرهنگی فراگیران می‌شود. توانایی درک حوزه‌های مبدأ که زیربنای بسیاری از عبارات هستند، می‌تواند منجر به تشخیص زمینه‌های تجربی بارز فرهنگی شود. مثلاً در مورد ضرب المثل‌ها، فراگیران متوجه می‌شوند که تعداد زیادی از اصطلاحات و تعبیرات در زبان انگلیسی، ریشه در قایقرانی، شکار، ورق بازی و اسب‌سواری دارند در حالی که در اسپانیا ریشه‌ی بیشتر این اصطلاحات در مذهب و در فرانسه در غذاست.

چهارم اینکه، متوجه شدن این مطلب که نیازی به حفظ کردن کورکورانه مجموعه‌ای از واژگان نیست و می‌توان با پی بردن به ریشه‌ی کلمات، اقلام این مجموعه را دسته بندی کرد، می‌تواند حس مثبتی به فراگیران انتقال دهد که در نهایت منجر به رفتار یادگیری ماندگارتری می‌انجامد.

### پیشینه پژوهش

زبان تخصصی رشته اقتصاد یکی از زمینه‌هایی است که استعاره‌های مفهومی از اهمیت بسزایی برخوردار هستند. در طول سال‌ها، استفاده‌ی هوشمندانه از اصطلاحات استعاری نقش مهمی در ایجاد و انتقال مفاهیم اقتصادی ایفا کرده‌اند (رچه، ۲۰۱۲). شاید اولین مورد استفاده از چنین اصطلاحاتی به زمانی برمی‌گردد که آدام اسمیت (۱۷۷۶) از عبارت "دست‌های نامرئی" برای بیان اینکه سیستم‌های بازارهای آزاد، همیشه با شرایط جدید خود را وفق می‌دهند، استفاده کرد. او تعرفه‌های گمرکی را "سدهای تجارت" معرفی می‌کند که باید برداشته شوند، حتی اگر منظور از ایجاد آنها، دادن شانس به تجارت‌های نوظهور، یا به اصطلاح شرکت‌های تازه متولد شده یا نوبنیاد، باشد. در سال ۱۹۸۲، هندرسون، یک اقتصاددان مشهور، بحث استفاده‌ی استعاری از زبان را در گفتمان‌های اقتصادی مطرح کرد. او اعتقاد داشت که علیرغم اینکه استعاره‌ها به صورت گسترده در متون اقتصادی به کار می‌روند، تحقیقات کافی در حمایت از تحلیل‌های استعاری به عمل نیامده است. سپس در سال ۱۹۸۳، مک کلاسی، بر اهمیت استعاره در متون اقتصادی تأکید کرده و عنوان کرد که اقتصاد ذاتاً بسیار استعاری

است و موضوع بررسی استعاره‌ها در چهارچوب انتقادات اقتصادی با هدف چگونه متقاعدکردن خواننده از طریق مباحثه را مطرح کرد. پس از آن به استعاری بودن زبان اقتصاد بیشتر پرداخته شد و صاحب‌نظران متعددی مطالعه این استعاره‌ها را از جمله برنامه‌های پژوهشی خود قرار دادند.

رچه (۲۰۱۲) می‌گوید زبان اقتصاد مملو از استعاره‌هایی است که قابلیت توجه زیادی دارند چرا که آنها حوزه‌های علمی که اقتصاد، مفاهیم را از آنها به عاریت گرفته مشخص می‌کنند. او به فیزیک مکانیک و زیست‌شناسی به عنوان دو منبع اصلی استعاره‌ها در علم اقتصاد اشاره می‌کند. از جمله کلماتی که از فیزیک یا علوم طبیعی وارد اقتصاد شده، رچه به "تورم"، "رشد"، "چرخه اقتصادی"، "توازن"، "اهرم"، "مکانیسم‌های بازار"، "گردش پول" و ... اشاره می‌کند. زیست‌شناسی به عنوان حوزه‌ی مبدأ دیگر در اقتصاد، منشأ استعاره‌ی "اقتصاد یک موجود زنده است" می‌باشد که از ابتدای ظهور علم اقتصاد با آن عجین بوده است. یکی از زیرمجموعه‌های این استعاره، استعاره‌ی "اقتصاد یک انسان است" می‌باشد که در واژه‌هایی مثل "اقتصاد بیمار"، "بهبود"، "چرخه حیات محصولات"، "رقابت بر سر سهام بورس"، "سازگاری"، "تغییر" و ... آشکار است. بورز و لیندستروم برگ (۲۰۰۶) به استعاره‌ی دیگر "اقتصاد مراقب سلامت است" اشاره می‌کنند که در عبارت‌های زیر مشخص است: "کمبود مزمن"، "درمان بیماری‌های اقتصادی"، "لاغر کردن بدنه‌ی نیروی کار (تعدیل نیرو)" و ...

طبق نظر بورز و لیندستروم برگ (۲۰۰۶)، در زبان اقتصاد می‌توان به ماهیت استعاری بسیاری از واژه‌های تخصصی از طریق اتصال آنها به منشأ اصلیشان و گروه‌بندی آنها بر اساس استعاره‌های مفهومی مشترک مربوطه پی برد. این می‌تواند به یادگیری و نگاهداشت این واژه‌ها کمک زیادی بنماید (بورز، ۲۰۰۰؛ چارتریز بلک، ۲۰۰۰؛ هرتج و پاپسکو، ۲۰۱۳ و غیره).

دیدگاه دیگری که در تدریس واژگان، چه عمومی و چه تخصصی، مطرح می‌شود، تفاوت بین تدریس صریح و ضمنی است و اینکه کدام روش برای زبان‌آموزان مفیدتر است. این موضوع یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات یادگیری و تدریس زبان دوم است که مانند بسیاری دیگر از چالش‌های مربوط به زبان‌آموزی، جوابی که همه بر آن اتفاق نظر داشته باشند وجود ندارد. از یک سو، افرادی مانند کراشن (۱۹۸۹) مدعی هستند که یادگیری واژگان، امری کاملاً ناخودآگاه است و در نتیجه مواجهه‌ی مکرر با

این واژگان، در بافت‌های مختلف حاصل می‌شود. طبق فرضیه‌ی " داده "ی کراشن، توانش در زمینه‌ی املا‌ی کلمات و معنی آنها، به کارآمدترین شکل از طریق داده‌های قابل فهم در قالب خواندن اکتساب می‌شود. او عقیده دارد وقتی ما زبانی را یاد می‌گیریم، متوجه یادگیری آن نیستیم، زیرا تمرکز ما بر روی پیام متن است و نه بر شکل ظاهری آن. در واقع، طبق نظریه‌ی یادگیری غیر مستقیم واژگان، کلمات بدون اینکه ما متوجه باشیم آموخته می‌شوند. شاید ما متوجه شویم که واژه، یک واژه جدید است اما تأکید ما بر کل متن است و یادگیری این کلمه جدید، نتیجه‌ی طبیعی این فرایند است و نیازی به تلاش خودآگاه برای یادگیری آن وجود ندارد. البته، اشمیت (۱۹۹۰) در نظریه‌ی "توجه" خود، تصریح می‌کند که بدون توجه کردن، امکان تبدیل داده به مقدار جذب شده، یعنی آن بخش از داده که فراگیران به آن توجه می‌کنند، نیست. از نظر او، توجه، می‌تواند در مورد هر مقوله‌ی زبانی، از جمله واژگان، شکل دستوری، جنبه‌های عملی و غیره، صادق باشد.

الیس (۱۹۹۴) بر خلاف کراشن، معتقد است اینکه بسیاری از کلمات به طور ناخودآگاه فرا گرفته می‌شوند، دلیل بر این نیست که کلمات زیاد دیگری را به ما تدریس نکرده باشند. اینجاست که مفهوم یادگیری هدفمند در مقابل یادگیری غیر هدفمند یا تصادفی، مطرح می‌شود. یادگیری هدفمند کلمات به هر فعالیتی اطلاق می‌شود که هدف آن سپردن اطلاعات واژگانی به حافظه باشد (هالستین، ۲۰۰۱). در این نوع یادگیری، زبان‌آموز از طریق مواجهه با کلمات جدید و توجه آگاهانه به آنها و استفاده از راهبردهای مختلف برای پی بردن به معنی آنها، آنها را می‌آموزد.

در اینجاست که با توجه به تفاوت این دو نوع یادگیری، این سؤالات مطرح می‌شود که "تفاوت تدریس واژگان به صورت ضمنی و صریح چیست؟ آیا تدریس صریح کلمات نتیجه بهتری دارد یا تدریس ضمنی آنها؟". داتی و ویلیام (۱۹۹۸) تفاوت این دو روش را به این صورت مطرح می‌کنند که هدف تدریس صریح "هدایت توجه فراگیر" است در حالی که هدف تدریس ضمنی "جلب توجه فراگیر" در حین کاهش هر گونه مانع بر سر راه انتقال معانی است. طبق نظر کراشن (۱۹۸۹)، تأثیر آموزش مبتنی بر یادگیری در مقایسه با داده‌ی قابل فهم، بسیار اندک است و تنها منجر به رفتار شبه‌زبانی می‌شود، نه رفتار زبانی واقعی. نگی (۱۹۹۷) هم معتقد است تدریس مستقیم واژگان، اتلاف وقت است. او تصریح می‌کند که زبان انگلیسی دارای کلمات بی‌شماری



است و وقت بسیار زیادی برای تدریس صریح کلمات لازم است. او از این بحث اینگونه نتیجه‌گیری می‌کند که تدریس مستقیم، فقط سهم بسیار کوچکی در افزایش دایره‌ی لغات یک گوینده‌ی اصیل دارد.

از سوی دیگر، شروود اسمیت (۱۹۸۱) بر اهمیت توسعه‌ی دانش واژگانی صریح از طریق "آگاهی افزایشی زبانی"، تأکید می‌کند. از نظر اسمیت، آگاهی افزایشی زبانی به معنی فراهم‌کردن اطلاعات مرتبطی می‌باشد که از نظر میزان پیچیدگی یا دقت ارائه و میزان وضوح یا شدت توجه، متغیر هستند. در جایی دیگر، لانگ (۱۹۸۳) بر اساس یافته‌های تحقیقاتش به این نتیجه رسیده که شواهد کافی دال بر مفید بودن آموزش هم برای کودکان و هم بزرگسالان، در همه سطوح و در همه انواع آزمون‌ها وجود دارد.

طبق تحقیقات به عمل آمده، برخی معتقدند می‌توان روش‌های صریح و ضمنی را به عنوان روش‌های مکمل محسوب کرد و یک روش مختلط را اتخاذ نمود (اشمیت، ۱۹۹۰؛ گو و جانسون، ۱۹۹۶؛ نیشن، ۲۰۰۱). به علاوه، الیس (۱۹۹۵)، اینگونه عنوان می‌کند که این دو روش برای جنبه‌های مختلف یادگیری واژگان به کار می‌روند، به این صورت که روش ضمنی در مواردی که پردازش سطحی لغات مورد نیاز است و روش صریح برای پردازش عمیق، مناسب است. هانت و بلگر (۲۰۰۵) معتقدند که شکل و معانی کلمات به صورت صریح، بهتر آموخته می‌شوند در حالی که ویژگی‌های آوایی به صورت ضمنی فراگرفته می‌شوند.

روش‌های تدریس صریح واژگان شامل موارد متعددی از جمله ارائه‌ی معادل‌های کلمات به زبان اول، تعریف واژه‌ها به زبان دوم بررسی ویژگی‌های معنایی، نگاشت معنایی و غیره هستند. یکی از روش‌های صریح که صاحب‌نظرانی مثل بورز (۲۰۰۰) و بورز و دیگران (۲۰۰۴) برای تدریس اصطلاحات و افعال مرکب و به‌ویژه واژگان تخصصی و نیمه تخصصی علوم مختلف پیشنهاد داده‌اند، روش تفصیل ریشه‌ای است که در قسمت قبل توضیح داده شد. در حال حاضر، طبق نظرسنجی‌های به عمل آمده، در تدریس زبان انگلیسی برای اهداف ویژه در ایران، واژگان به یکی از روش‌های ارائه‌ی معادل فارسی، مترادف یا تعریف انگلیسی و یا به صورت ضمنی تدریس می‌شوند. در تحقیق حاضر تأثیر این سه روش، در یادگیری و نگاهداشت ذهنی واژگان تخصصی و نیمه تخصصی با روش تفصیل ریشه‌ای مقایسه شده است.

## روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر دارای ماهیت کمی بوده که به روش شبه‌آزمایشی و با گروه‌های دست‌نخورده انجام شده است. محدودی پژوهش، واژگان تخصصی و نیمه تخصصی زبان اقتصاد با زیر بنای استعاره‌ای است. این کلمات به روش MIP از متون اقتصادی روزنامه‌های اکونومیست و فایننشال تایمز استخراج شدند.

## جامعه آماری

جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، دانشجویان سال دوم رشته‌ی اقتصاد دانشگاه اصفهان بودند که ملزم به گذراندن درس زبان تخصصی اقتصاد به عنوان یک درس اجباری بودند.

## نمونه آماری

با توجه به ثابت بودن برنامه‌ی درسی دانشکده اقتصاد و علوم اداری دانشگاه اصفهان، امکان انتخاب تصادفی نمونه‌ی آماری وجود نداشت، بنابراین چهار گروه (در مجموع ۷۵ نفر) از دانشجویان سال دوم که در حال گذراندن درس مورد نظر بودند، انتخاب شدند و به صورت تصادفی در چهار حالت مورد نظر پژوهش مورد آزمون قرار گرفتند. این دانشجویان (۲۹ دختر و ۴۶ پسر) در رده‌ی سنی بین ۱۹-۲۱ و گویندگان اصیل زبان فارسی بودند.

برای اطمینان از روایی درونی پژوهش، تخصیص گروه‌ها به شرایط آزمون، به صورت تصادفی انجام شد. این شرایط شامل تفصیل ریشه‌ای، ارائه‌ی معادل کلمات به زبان فارسی، تعریف یا مترادف انگلیسی و تدریس ضمنی بودند. جدول شماره ۱ مشخصات افراد شرکت کننده در پژوهش را به تفکیک شرایط آزمون نشان می‌دهد.

جدول ۱- فراوانی روش اجرا و جنسیت

روش اجرا	تعداد	درصد	جنسیت	تعداد	درصد
تفصیل ریشه‌ای	۱۷	۲۲,۷	پسر	۴۶	۶۱,۳
معادل فارسی	۱۹	۲۵,۳	دختر	۲۹	۳۸,۷
تعریف انگلیسی	۲۰	۲۶,۷			
تدریس ضمنی	۱۹	۲۵,۳			
کل	۷۵	۱۰۰			

همانطور که داده‌های مربوط به جنسیت در جدول شماره ۱، نشان می‌دهد ۶۱,۳٪ از شرکت کنندگان را دانشجویان پسر و ۳۸,۷٪ را دانشجویان دختر تشکیل می‌دادند که این اختلاف نسبت به دلیل تعداد بالاتر دانشجویان پسر به صورت کلی در دانشکده‌ی اقتصاد و علوم اداری دانشگاه اصفهان بوده است.

## ابزارهای پژوهش

### الف- ابزارهای آموزشی

متون اقتصادی مورد نظر برای پژوهش حاضر بر اساس موضوع بحران اقتصادی از بین مقالات روزنامه/کونومیست انتخاب شدند. درجه‌ی دشواری این متون بر اساس یافته‌های آزمایش پیلوت و با استفاده از نرم‌افزار خوانایی SMOG بین ۸ و ۱۱ انتخاب شد. این متون در سه گروه اول که به روش‌های صریح آموزش داده شدند به همراه واژه‌نامه‌هایی بر اساس شرایط آزمون در هر گروه به دانشجویان ارائه شدند. در گروه اول که گروه "تفصیل ریشه‌ای" نامیده شد، واژگان مورد نظر از طریق ارائه‌ی معنی اصلی کلمات در حوزه‌ی مبدأ تدریس می‌شد، به همین منظور متون مورد نظر به همراه واژه‌نامه‌ای مبتنی بر حوزه‌ی مبدأ در اختیار شرکت‌کنندگان قرار می‌گرفتند. به عنوان مثال در این گروه کلمه‌ی slim در عبارت slim their balance-sheets "لاغرکردن" معنی شد. در گروه دوم با نام گروه "تعریف بافتی"، تعریف کلمات بر اساس بافت اقتصادی ارائه شد. مثلاً همان کلمه‌ی slim با عنوان "کوچک‌کردن" یا "تعدیل‌کردن" به دانشجویان ارائه شد. در گروه سوم با نام "معادل‌های زبان اول"، معادل فارسی کلمات

در واژه نامه ارائه شد. در گروه چهارم که به گروه "روش ضمنی" شناخته شدند، هیچ توضیحی در مورد واژگان داده نشد و هدف از ارائه‌ی متون، تقویت مهارت درک مطلب عنوان شد. فعالیت‌های تکمیلی هر گروه منطبق با روش ارائه‌ی لغات متغیر بود.

### ب- ابزارهای سنجش

در این مطالعه دو آزمون به کار برده شد. آزمون اول به شکل یک لیست کنترل با هدف مشخص کردن کلمات ناآشنا و حذف کلمات آشنا به دانشجویان ارائه شد و از آنها خواسته شد مشخص کنند که از بین صد و نه واژه چک لیست معنی کدامیک را می‌دانند (ضمیمه ۱). کلماتی که ۸۰٪ از دانشجویان معنی آنها را می‌دانستند حذف شدند و نتیجه‌ی این فرایند، ۷۹ واژه بود که به عنوان کلمات مورد نظر برای تدریس و سنجش تعیین شدند.

آزمون دیگر مجموعه‌ای از ۲۵ سوال واژگانی به شکل پرکردنی (Completion/ Blank-Filling) بود که هم به عنوان آزمون نهایی برای سنجش یادگیری لغات و هم سنجش نگاهداشت ذهنی دانشجویان مورد استفاده قرار گرفت و در آن از دانشجویان خواسته شد با کلمات داده شده جاهای خالی را پر کنند (ضمیمه ۲). همه‌ی جملات این آزمون از بانک واژگان ملی بریتانیا (BNC) انتخاب شد. پایایی و روایی این آزمون با استفاده از آزمون‌های مربوطه و نظرات کارشناسان اهل فن تأیید شد. پایایی آزمون با استفاده از فرمول، مقدار کرونباخ آلفا برابر ۰٫۸۱ تعیین شد. فاصله‌ی زمانی بین دو پس آزمون دو هفته بود.

### تحلیل داده‌ها

بر اساس داده‌های هر سؤال، از روش‌های آنالیز واریانس یک طرفه، آزمون تی، و آزمون شفه استفاده شد.

به منظور بررسی سؤال اول و تعیین تأثیر روش تدریس بر یادگیری واژگان اقتصادی یک آنالیز واریانس یک طرفه (ANOVA) انجام شد. آمار توصیفی و نتایج آنالیز واریانس یک طرفه در جداول ۲ و ۳ آمده است.

جدول ۲- آمار توصیفی مربوط به آزمون یادگیری واژگان

روش تدریس	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
تفصیل ریشه‌ای	۱۷	۲۱,۱۷	۲,۴۵	۱۷	۲۵
تعریف انگلیسی	۲۰	۱۷,۹۵	۱,۷۶	۱۴	۲۱
معادل فارسی	۱۹	۱۷,۱۵	۳,۲۷	۱۱	۲۲
تدریس ضمنی	۱۹	۱۶,۱۰	۴,۴۴	۸	۲۵

جدول ۳- آنالیز واریانس یکطرفه (ANOVA)

.sig	F	df	مجموع مجذورها	
.۰۰۰	۸,۵۱۷	۳	۲۵۳,۲۵	بین گروه‌ها
		۷۱	۷۰۳,۷۳	درون گروه‌ها
		۷۵	۹۵۶,۹۸	کل

همانطور که نتایج آنالیز نشان می‌دهد تفاوت معنی‌داری در سطح  $p < 0.05$  بین روش‌های تدریس مشاهده شد ( $F(3,71) = 8.517, p = .000$ ). طبق نتایج آزمون شفه، میانگین گروه تفصیل ریشه‌ای (میانگین: ۲۱,۱۷ و انحراف استاندارد: ۲,۴۵) با سه گروه دیگر متفاوت بود. این امر نشان می‌دهد که گروه تفصیل ریشه‌ای نسبت به سایر گروه‌ها عملکرد بهتری نشان داده است.

به منظور مقایسه‌ی روش‌های صریح تدریس با روش ضمنی، محقق پس از محاسبه‌ی متغیر تدریس صریح به صورت کلی در قالب یک متغیر، آزمون تی (t-test) انجام شد. نتایج این آزمون، برتری روش تدریس صریح (میانگین: ۱۸,۸۴، انحراف استاندارد: ۱,۳۰) نسبت به روش تدریس ضمنی (میانگین: ۱۶,۱۰، انحراف استاندارد: ۴,۴۴) را نشان می‌دهد. مقدار تی، ۲,۴۴ بود که در سطح معنی‌داری ۰,۰۲۰، فرضیه صفر را رد کرد. یعنی نشان داد که روش تدریس صریح مؤثرتر از روش ضمنی است (جدول ۴).

جدول ۴- آزمون تی برای روش تدریس صریح و ضمنی در مورد یادگیری واژگان

Sig. (۲ tailed)	df	t	Sig.	F	تست برابری واریانس های لون
.۰۲۰	۳۴	۲,۴۴	.۰۰۱	۱۳,۲۸	با فرض واریانس های برابر
.۰۱۸	۲۱,۴۲	۲,۵۳			با فرض واریانس های نابرابر

سوال دوم پژوهش به بررسی تاثیر روش‌های تدریس بر نگاهداشت واژگان پرداخته است. آمار توصیفی و نتایج آنالیز واریانس یکطرفه مربوط به این سوال در جدول ۵ و ۶ آمده است.

جدول ۵- آمار توصیفی مربوط به آزمون نگاهداشت واژگان

روش تدریس	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
تفصیل ریشه‌ای	۱۷	۱۶,۹۴	۲,۵۳	۱۳	۲۲
تعریف انگلیسی	۲۰	۱۳,۳۰	۳,۲۱	۷	۲۱
معادل فارسی	۱۹	۱۵,۶۳	۳,۱۴	۱۰	۲۱
تدریس ضمنی	۱۹	۱۱,۳۱	۵,۰۹	۷	۱۸

جدول ۶- آزمون تحلیل واریانس یکطرفه مربوط به نگاهداشت ذهنی

۸,۵۳	F
۳	df
.۰۰۰	.sig

طبق یافته‌ها، تفاوت معنی داری بین روش‌های تدریس از نظر نگاهداشت واژگان وجود دارد. برای نشان دادن اینکه تفاوت در کجاست، آزمون شفه انجام شد که نشان از برتری عملکرد گروه تفصیل ریشه‌ای نسبت به گروه‌های تعریف انگلیسی و تدریس ضمنی داشت. البته تفاوت معنی داری بین گروه تفصیل ریشه‌ای و گروه معادل فارسی وجود نداشت.

برای مقایسه روش‌های تدریس صریح به صورت کلی با روش ضمنی، یک آزمون t انجام شد که باز هم برتری روش تدریس صریح بر روش ضمنی را نشان داد (جدول ۷).

جدول ۷- آزمون تی برای روش تدریس صریح و ضمنی در مورد نگاهداشت واژگان

Sig. (-۲tailed)	df	t	Sig.	F	تست برابری واریانس‌های لون
.۰۰۱	۳۳	۳,۵۱۹	.۰۰۰	۱۵,۰۴	با فرض واریانس‌های برابر
.۰۰۱	۲۲,۲۳	۳,۷۸۱			با فرض واریانس‌های نابرابر

به طور کلی یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که روش تدریس واژگان هم بر یادگیری آنها و هم بر نگاهداشت ذهنی آنها تأثیر دارد. در بین سه روش تدریس صریح، روش تفصیل ریشه‌ای از سایر روش‌ها هم در مورد یادگیری و هم نگاهداشت نتیجه‌ی بهتری داشته است. البته در قسمت نگاهداشت، این روش با روش ارائه‌ی معادل‌های فارسی چندان تفاوتی نداشته است. در مقایسه‌ی روش‌های تدریس صریح و ضمنی یافته‌های موجود نشان می‌دهد که روش تدریس صریح موجب عملکرد بهتری از سوی فراگیران هم در آزمون یادگیری و هم آزمون نگاهداشت شده است. یافته‌های مطالعه‌ی حاضر نشان از این دارد که روش تفصیل ریشه‌ای می‌تواند در آموزش و یادگیری واژگان زبان تخصصی به صورت کلی و واژگان زبان اقتصاد به طور اخص سودمند باشد.

با کنار هم قراردادن یافته‌های آزمون برای دو سؤال پژوهش حاضر، می‌توان نتیجه گرفت که روش تفصیل ریشه‌ای مؤثرترین و روش تعریف انگلیسی در بین روش‌های صریح کم‌اثرترین روش‌ها بوده‌اند. یافته‌ی دیگر این آزمون، برتری روش صریح بر روش ضمنی است که توجیه‌های احتمالی هر دو نتیجه‌ی به دست آمده در ذیل آمده است.

برتری عملکرد گروه تفصیل ریشه‌ای در یادگیری و نگاهداشت واژگان، می‌تواند علت‌های متعددی داشته باشد که شامل این موارد است:

۱- به گفته‌ی بورز و لیندستروم برگ (۲۰۰۸)، یکی از علت‌های احتمالی این برتری در تلاش ذهنی بیشتری است که در درک واژه‌های اقتصادی بر اساس معنی اصلی آنها در حوزه‌ی مبدأ توسط فراگیر انجام می‌شود. آنها بر این عقیده‌اند که این نوع تفصیل یادگیری را تسهیل می‌کند به این دلیل که اطلاعات در سطح نسبتاً عمیقی پردازش می‌شوند. طبق نظریه‌ی سطوح پردازش (سرماک و کرایک، ۱۹۷۹) این امر موجب نگاهداشت اطلاعات برای مدت طولانی‌تر می‌شود. به عبارت دیگر وقتی از فراگیران

خواسته می‌شود که در مورد منشأ واژه‌ها فرضیه‌پردازی کنند و از طریق مفهوم واژه در حوزه‌ی مبدأ به مفهوم آن در حوزه‌ی مقصد پی ببرند، آن‌ها درگیر نوعی فعالیت حل مسئله می‌شوند که آنها را وادار به پردازش عمیق ذهنی می‌کند. براساس نظریه‌ی بورز (۲۰۰۰)، به کار بردن تلاش ذهنی برای تعیین حوزه‌ی مبدأ و گروه‌بندی واژه‌ها بر طبق استعاره‌های حوزه‌ی مبدأ و مقصد منجر به تقویت حافظه‌ی طولانی مدت این واژه‌ها می‌شود. به علاوه پی بردن به اینکه به جای حفظ کردن یک فهرست طولانی از واژه‌های زبان خارجی می‌توان با یادگیری چند استعاره‌ی مفهومی و گروه‌بندی واژگان بر اساس آنها، بار سنگین یادگیری واژگان را سبکتر کرد، می‌تواند تأثیر عاطفی مثبتی در فراگیران ایجاد کند و این خود یک عامل مؤثر در تشویق آنها به یادگیری واژگان است (بورز و لیندستروم برگ، ۲۰۰۸). این گروه‌بندی می‌تواند موثرتر باشد چرا که یادگیری کلمات به شکل سازمان‌یافته آسان‌تر از یادگیری آنها در قالب مجموعه‌های تصادفی است.

۲- نظریه‌ی دیگری که می‌تواند برتری گروه تفصیل ریشه‌ای را توجیه کند نظریه کدپردازی دوگانه‌ی پایویو (۱۹۸۶) و کلارک و پایویو (۱۹۹۱) است. طبق این نظریه، سیستم ذهنی ما از دو زیر مجموعه‌ی مستقل به نام‌های سیستم کلامی و سیستم غیرکلامی یا ذهنی تشکیل شده است. سیستم کلامی به طور مستقیم با زبان در ارتباط است و سیستم غیرکلامی با تصویری که از کلمات در ذهن ما تشکیل می‌شود ارتباط دارد. این دو سیستم از هم جدا اما با یکدیگر در ارتباط هستند به این معنی که به صورت موازی یا ترکیبی عمل می‌کنند. به عبارت دیگر روابط بین سیستمی طوری است که زبان تصور را بر می‌انگیزد و تصور زبان را. طبق این نظریه نمادهای زبانی را به دو شکل می‌توان تفسیر کرد: در رابطه با سایر نمادهای زبانی (مترادف، تعبیر یا جایگزین های نحوی) یا در رابطه با نمادهای غیر زبانی اشیا، وقایع یا احساساتی که نمایانگر آن هستند. وقتی ارتباط به شکل دوم باشد، یادگیری و نگاهداشت بسیار مؤثرتر است. طبق نظریه‌ی سادوسکی و پایویو (۲۰۰۱)، مکرراً مطالعات نشان داده اند که کلمات، عبارت‌ها، جملات، پاراگراف‌ها و متن‌های عینی دو برابر واحدهای زبانی انتزاعی که از نظر دشواری، میزان آشنایی و بقیه متغیرها همسان باشند، قابل فهم و یادگیری هستند. در مورد روش تفصیل ریشه‌ای این اعتقاد وجود دارد که آگاهی از مفهوم ظاهری و اصلی کلمات باعث ایجاد پیوند بین معنای اصطلاحی کلمه و تصویر ذهنی یک صحنه



عینی از آن می‌شود که با این کدگذاری دوگانه فهم و نگاهداشت واژگان، به میزان زیادی افزایش می‌یابد.

۳- به نظر می‌رسد طبق نظریه‌ی "بار درگیری" هالستین و لوفر (۲۰۰۱)، فعالیت‌هایی که بار درگیری بالاتری برای فراگیر دارند مؤثرتر از فعالیت‌هایی هستند که فراگیر را با بار درگیری کمتری مواجه می‌کنند. به دلیل اینکه افراد گروه تفصیل ریشه‌ای مجبور بودند معنی اصلی کلمه را بسط بدهند تا به مفهوم اصطلاحی آن دست پیدا کنند، بنابراین می‌بایست با بار ذهنی بالاتری مواجه شوند و در نتیجه عملکرد بهتری داشتند.

۴- روش تفصیل ریشه‌ای، واکنش عاطفی مثبتی از سوی فراگیران به همراه داشت. بسیاری از دانشجویان نسبت به ریشه‌ی اصطلاحات اقتصادی ابراز تعجب و علاقه کردند. بر اساس نظرسنجی غیررسمی به عمل آمده در این گروه، حدود دوازده نفر از هفده نفر اذعان کردند که آنها روش تفصیل ریشه‌ای را به سایر روش‌های تدریس واژگان از جمله ارائه‌ی تعریف یا مترادف ترجیح می‌دهند. این یافته‌ها با مطالعه لاندو (۲۰۰۱) مبنی بر علاقه افراد به مطالعه درباره ریشه‌ی کلمات مطابقت دارد و به همین دلیل است که توضیحات مبتنی بر تفصیل ریشه‌ای، علاقه‌ی فراگیران به یادگیری اصطلاحات اقتصادی مبتنی بر استعاره را برمی‌انگیزد.

تا جایی که محقق اطلاع دارد، مطالعه‌ای وجود ندارد که سه روش تفصیل ریشه‌ای، معادل زبان اول و تعریف زبان دوم را به عنوان روش‌های صریح تدریس واژگان با روش ضمنی مقایسه کرده باشد. البته مطالعاتی وجود دارد که تاثیر توانش استعاری را بر یادگیری واژگان بررسی کرده‌اند. از جمله این مطالعات می‌توان به لیندستروم‌برگ (۱۹۹۱)، دیگنان، گابریس و سولسکا (۱۹۹۷)، بورز و دیمپلیر (۱۹۹۸)، بورز (۲۰۰۰، ۲۰۰۱)، چارتریزبلک (۲۰۰۰)، هررا و وایت (۲۰۰۰)، چارتریزبلک و انیس (۲۰۰۱)، لیتل مور (۲۰۰۲)، چارتریزبلک و موسولف (۲۰۰۳)، کابالرو (۲۰۰۳)، وایت (۲۰۰۳)، بورز، دیمپلیر و ایکمنز (۲۰۰۴)، بورز، ایگمنز و استنجرز (۲۰۰۷)، هاشمیان و طالبی‌نژاد (۲۰۰۷)، ژانگ، (۲۰۰۹)، باقری و فاضل (۲۰۱۰)، کوریل (۲۰۱۲) اشاره کرد. اگرچه از نظر هدف و طراحی این مطالعات تنوع قابل توجهی وجود داشته است اما نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که استعاره آگاهی ممکن است به یادگیری و نگاهداشت واژگان کمک کند. مطالعه‌ی حاضر از نظر پایه‌ی نظری و روش اجرا بسیار شبیه مطالعه بورز (۲۰۰۰) است با این تفاوت که بورز تفصیل ریشه‌ای را فقط با ارائه‌ی مفهوم بافتی

اقتصاد مقایسه کرده است. طبق یافته‌های این مطالعه، روش اول به نتایج بهتری نسبت به روش دوم منجر می‌شود. البته این روش در مطالعات دیگر هم مانند بورن، دیمچلیر و ایکمنز (۲۰۰۴) استفاده شده اما موضوع تدریس اصطلاحات یا افعال مرکب بودند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که زبان‌آموزان و معلمان آنها می‌توانند از مزیت تفصیل ریشه‌ای به جای تکیه بر حفظ کردن صرف واژگان بهره بگیرند.

یافته‌ی مهم دیگر این مطالعه، برتری روش تدریس صریح بر روش ضمنی است. یکی از دلایل این برتری ممکن است استفاده از واژه‌نامه‌ها به همراه متون برای گروه‌های تدریس صریح باشد که در گروه روش ضمنی جای آن خالی بود. برخی از صاحب‌نظران معتقدند که فراهم کردن اطلاعات اضافی مانند تعاریف یا مترادف‌ها می‌تواند کمبود نشانه‌های بافتی را در یادگیری کلمات جدید در هنگام خواندن جبران کند (کو، ۲۰۱۲) و بنابراین می‌تواند به‌عنوان ابزاری مفید در تدریس و یادگیری کلمات عمل کند. نیشن (۲۰۰۱) عقیده دارد واژه‌نامه‌ها می‌تواند معنی دقیقی برای کلماتی که نمی‌توان آنها را به راحتی حدس زد ارائه دهند، به فراگیران کمک کنند متون مشکل را بخوانند و توجه آنها را به کلماتی که در فرایند آموزش واژگان، مؤثرند جلب کند. دلیل دیگر این برتری به نظر می‌رسد نقش مهمی است که آگاهی افزایشی می‌تواند در تدریس صریح لغات ایفا کند. مهم‌ترین نظریه‌ای که زیر بنای این ادعاست نظریه "توجه" اشمیت (۱۹۹۰، ۱۹۹۳) است که بر اساس آن فراگیران باید متوجه شکل در داده شوند تا بتوانند پردازش داده‌ها را ادامه دهند. بنابر این کمک کردن فراگیر به توجه کردن به شکل مورد نظر، داده را غنی‌تر می‌کند و آن را قابل استفاده‌تر می‌کند.

### نتیجه‌گیری

نتایج مطالعه حاضر در زمینه یادگیری و نگاهداشت واژگان اقتصاد، از این ایده حمایت می‌کند که آگاهی استعاری از سوی فراگیران زبان انگلیسی اقتصاد از طریق تفصیل ریشه‌ای می‌تواند نقش مهمی در این دو زمینه داشته باشد. این یافته را می‌توان با استفاده از اصول نظریه‌ی کدگذاری دوگانه و نظریه‌ی سطوح پردازش توجیه کرد. به علاوه یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که روش تدریس ضمنی در تدریس واژگان اقتصادی تأثیر چندانی ندارد. به نظر می‌رسد این پژوهش متضمن کاربردهای آموزشی در زمینه‌ی تدریس لغات تخصصی زبان اقتصاد باشد. اول اینکه در طراحی

مطالب آموزشی برای انگلیسی با اهداف ویژه، می‌توان توجه مؤلفان را به بهره‌گیری از استعاره‌های مفهومی در قالب تمرینات و تکنیک‌های مختلف از جمله برجسته‌کردن، زیر خط دار کردن و کج نوشتن جلب کرد. آنها می‌توانند فعالیت‌های "تعیین حوزه مبدأ" را در کتاب‌های انگلیسی با اهداف ویژه بگنجانند تا بتوانند از طریق تفصیل ریشه‌ای استعاره آگاهی فراگیران را افزایش دهند.

نکته دیگر اینکه به نظر می‌رسد تدریس صریح و مستقیم تأثیر بهتری در تدریس واژگان اقتصاد داشته باشد و این امر بر اهمیت توجه در یادگیری واژگان صحه می‌گذارد.

البته پژوهش حاضر مانند سایر پژوهش‌ها در حوزه علوم انسانی کاستی‌هایی داشت که باید به آن اشاره نمود. اول اینکه گروه‌های مورد مطالعه گروه‌های دست نخورده با تعداد کمی شرکت کننده بودند که می‌تواند امکان تعمیم داده‌ها را تحت الشعاع قرار می‌دهد. تکرار این مطالعه با نمونه‌های تصادفی و تعداد بالاتر می‌تواند نتایج قابل قبول‌تری حاصل کند. دوم اینکه، از بین روش‌های متعدد تدریس صریح واژگان فقط دو روش با روش تفصیل ریشه‌ای در مطالعه حاضر مورد مقایسه قرار گرفتند. استفاده از روش‌های دیگر ممکن است منجر به نتایج متفاوتی شود. سوم اینکه شرکت‌کنندگان فقط دانشجویان اقتصاد دانشگاه اصفهان بودند. بدیهی است که تکرار مطالعه با دانشجویان دانشگاه‌های مختلف امکان تعمیم داده‌ها را تا حد زیادی بالا می‌برد.

## منابع

- Bagheri, M. S. & Fazel, I. (2010). Effects of etymological elaboration on EFL learners' comprehension and retention of idioms. *Pan-Pacific Association of Applied Linguistics* 14(1), 45-55
- Boers, F. (2000). Metaphor awareness and vocabulary retention. *Applied Linguistics*, 21, 553-71.
- Boers, F., & M. Demecheleer, M., (1998). A cognitive semantic approach to teaching prepositions. *English for Language Teaching Journal*, 52(3): 197-204.
- Boers, F., M. Demecheleer & J. Eyckmans (2004). Etymological elaboration as a strategy for learning figurative idioms. In P. Bogaards & B. Laufer (eds.), *Vocabulary in a second language: Selection, acquisition and testing*. Amsterdam: John Benjamins, 53-78.
- Boers, F., J. Eyckmans & H. Stengers (2007) Presenting figurative idioms with a touch of etymology: More than mere mnemonics? *Language Teaching Research*, 11(1), 43-62.
- CaballeroRodriguez, M. (2003). "How to talk shop through metaphor. Bringing metaphor research to the ESP classroom". *English for Specific Purposes* 22: 177-194.
- Charteris-Black, J. (2000). Metaphor and vocabulary teaching in ESP economics. *English for Specific Purposes* 19, 149-165.
- Charteris-Black, J. (2004). *Corpus approaches to critical metaphor analysis*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Charteris-Black, J., & Ennis, T. (2001). A comparative study of metaphor in Spanish and English financial reporting. *English for Specific Purposes*, 20(3), 249-266.
- Charteris-Black, J., & Musolff, A. (2003). Battered hero or innocent victim? A comparative study of metaphors for euro trading in British and German financial reporting. *English for Specific Purposes*, 22(2), 153-176.
- Clark, J. M., and Paivio. A. (1991). Dual coding theory and education. *Educational Psychology Review*, 3, 233-262.

- Coryell, L. J. (2012). *The effectiveness of etymological elaboration as a method of teaching idioms*. (Unpublished doctoral dissertation). Department of Educational Theory and Practice. School of Education. University of Albany, State University of New York.
- Danesi, M.(1993). Metaphorical competence in second language acquisition and second language teaching: the neglected dimension. In J. E. Alatis (ed.), *Language, and Social-Meaning*. Washington, D. C.: Georgetown University Press. 489-500.
- Deignan, A. (2005). *Metaphor and Corpus Linguistics*. Amsterdam, Philadelphia: John Benjamins.
- Deignan, A., Gabrýs, D., &Solska.A(1997). Teaching English metaphors using cross-linguistic awareness-raising activities. *ELT Journal*, 51(4), 352–360.
- Doughty, C. & Williams, J. (1998). Pedagogical choices in focus on form. In C. Doughty &J.Williams(Eds.), *Focus on form in classroom second language acquisition* (pp. 197-261). Cambridge: Cambridge University Press.
- Ellis, N. (1994). Vocabulary acquisition: The implicit ins and outs of explicit cognitive mediation. In N. Ellis (Ed.), *Implicit and explicit learning of languages* (pp. 21 1-282), Academic Press, Harcout Brace & Company, Publishers.
- Ellis, N. (1995).Vocabulary acquisition: Psychological perspectives and pedagogical implications.*The Language Teacher*, 19(2), 12-15.
- Ellis, R. (1997).*Second Language Acquisition*. Oxford: Oxford University Press.
- Gass, S. (1999).Incidental vocabulary learning: Discussion. *Studies in Second Language*, 21(2), 19-33.
- Guo, S. (2007). Is idiom comprehension influenced by metaphor awareness of the learners? A case study of Chinese EFL learners. *The Linguistics Journal*, 3(3), 148–166.
- Hashemian, M., &TalebiNezhad (2007). The development of conceptual fluency and metaphorical competence in 12 learners. *Lingistik Online*, 30(1), 41-56.
- Henderson, W. (1994). Metaphor and economics. In R. E. Backhouse (Ed.),*New Di-*

- rections in *Economic Methodology*(pp. 343-367). London: Routledge.
- Henderson, W. (1982). Metaphor in Economics. *Economics* 18, 147-153.
- Herrera, H. & White, M. (2000). "Cognitive linguistics and the language learning process: a case from Economics". *EstudiosIngleses de la Universidad Complutense* 8, 55-78.
- Herteg, C. &Popescu, T. (2013). Developing students' intercultural and collocational competence through analyzing the business press. *Procedia- Social and Behavioral Sciences*, 83, 378-382.
- Hulstijn, J. (2001). Intentional and incidental second language vocabulary learning: A reappraisal of elaboration, rehearsal and automaticity. In P. Robinson (Ed.), *Cognition and second language instruction*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Hulstijn, J &Laufer, B (2001) Some Empirical Evidence for the involvement load hypothesis in Vocabulary acquisition, *Language Learning*, 51(3 ), 539-558.
- Hunt, A. &Beglar, D. (2005). A framework for developing EFL reading vocabulary. *Reading in a Foreign Language*, 17(1), 23-59.
- Jeffreys, D. (1982). Metaphor in economics—An illustrative appendix. *Economics*, 18(4), 154-157.
- Krashen, S. (1989). We acquire vocabulary and spelling by reading: Additional evidence for the Input Hypothesis. *Modern Language Journal*, 73, 440-462.
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). *Metaphors we live by*. Chicago: The University of Chicago Press.
- Laufer, B., & Goldstein, Z. (2004). Testing vocabulary knowledge: Size, strength, and computer adaptiveness. *Language Learning*, 54(3), 399-436.
- Laufer, B. &Hulstijn,J. H. (2001). 'Incidental vocabulary acquisition in a second lan-

guage:

The construct of task-induced involvement,' *Applied Linguistics* 22(1), 1–26.

Lindstromberg, S. (1991). Metaphor and ESP: A ghost in the machine? *English for Specific Purposes*, 10(3), 207–225.

Lindstromberg, S. & Boers. F. (2005). From movement to metaphor with manner-of-movement verbs. *Applied Linguistics*, 26(2), 241–261.

Littlemore, J. (2004). Item-based and cognitive-style-based variation in students' abilities to use metaphoric extension strategies. *Ibérica*, 7, 5–32.

Long, M. H. (1983). Does second language instruction make a difference? A review of the research. *TESOL Quarterly*, 17, 359–382.

Low, G. D. (1988). 'On teaching metaphor.' *Applied Linguistics* 9(2), 125-147.

MacLennan, C. (1994). Metaphors and prototypes in the learning teaching of grammar and

vocabulary. *IRAL*, 32(2), 97–110.

Mata, T., & Lemercier. C. (2011). Speaking in tongues, a text analysis of economic opinion and Newsweek, 1975–2007 Duke University: hope Centre Working Papers No.2011–02.

McCloskey, D. (1983). The rhetoric of economics. *Journal of Economic Literature*, 21, 481- 517.

McCloskey, D. N. (1985). *The rhetoric of economics*. Madison: The University of Wisconsin Press

Meyer, M. (1991). Developing transcultural competence: Case studies of advanced language learners. In D. Buttjes & M. Byram (Eds.), *Mediating languages and cultures: Towards an*

*intercultural theory of foreign language education* (pp. 136-158). Clevedon, UK: Multilingual Matters.

Nagy, W. (1997). The role of context in first- and second-language vocabulary learning. In N. Schmitt & M. McCarthy (Eds.), *Vocabulary Description, Acquisition, and Pedagogy* (pp. 64-83). Cambridge: Cambridge University Press.

- Nation, I.S.P. (2001). *Learning vocabulary in another language*. New York: Cambridge University Press.
- Nation, P., & Meara, P. (2002). Vocabulary. *An introduction to applied linguistics*, 35-54.
- Paivio, A. (1971). *Imagery and Verbal Processes*. New York: Holt, Rinehart & Winston.
- Paivio, A. (1986). *Mental Representations: A Dual Coding Approach*. New York: Oxford University Press.
- Resche, C. (2012). Towards a better understanding of metaphorical networks in the language of economics: The importance of theory-constitutive metaphors. In H. Herrera-Soler, & M. White (Eds.), *Metaphor and Mills: Figurative Language in Business and Economics* (pp. 77-102). Berlin: De Gruyter Mouton.
- Saville-Troike, M. U. R. I. E. L. (1984). What really matters in second language learning for academic achievement?. *TESOL Quarterly*, 18(2), 199-219.
- Schmidt, R. (1990). The role of consciousness in second language learning. *Applied Linguistics*, 2, 129-158.
- Schmidt, R. (2001). 'Attention' in P. Robinson (ed.): *Cognition and Second Language Instruction*. Cambridge University Press, pp. 3-32.
- Sharwood Smith, M. (1981). Consciousness-raising and second language acquisition theory. *Applied Linguistics*, 2, 159-168.
- Sznajder, H. S. (2010). A corpus-based evaluation of metaphor in a business English textbook. *English for Specific Purposes* (2): 30-42.
- White, M., (2003). Metaphor and economics: the case of growth. *English for Specific Purposes* (22), 131-15



ضمیمه ۱

Fall					rise				
Recession					drag down				
bounce back					inflation				
Sluggish					tailwinds				
strength					tumble				
desperation					calming				
stagnation					decline				
slump					suffer				
plump					plunge				
stall					headwinds				
stream					turbulence				
slowdown					nose-dive				
hamper					aloft				
loom					soar				
pep up					develop				
swell					pour				
giant					prop up				
stifle					survive				
inflow					stumble				
cripple					collapse				
bleak					volatility				
cycle					resurgence				
laggards					depressing				

relieve					boom				
stoke					bailout				
shrink					weakness				
spur					expansion				
hike					plague				
kick-start					growth				
rebound					turmoil				
rash					contraction				
drain					accelerate				
stagnation					diagnosis				
burden					recovery				
retreat					weak				
anaemic					mania				
struggle					bubble				
quench					tightening				
rock-bottom					beating				
restart					resilient				
weaken					wilting				
decouple					disaster				
funk					boost				
robust					stuffing				
sag					deflation				
pour					slim				

blow					down-at-heels				
lean					ebbing tide				
peak					offload				
stability					crisis				
loose					burgeon				
attack					deficit				
					healthy				

Read the following words and decide about the words as follows:

1. I don't remember having seen this word before.
2. I have seen this word before but I don't know what it means.
3. I have seen this word before, and I think it means \_\_\_\_\_. (synonym or translation)
4. I know this word. It means \_\_\_\_\_. (synonym or translation)
5. I can use this word in a sentence: \_\_\_\_\_. (Write a sentence.) (If you do this section, please also do Section 4.)

**Note: The words in red are the excluded words.**

ضميمه ٢

### Vocabulary Test

Fill in the blanks with the words given. There is one extra word

a) drain	b) laggards	c) expansion	d) volatility
e) bailout	f) blow	g) inflows	h) stagnation

Part

1. After three years of ....., Britain's economy is thankfully moving again.
2. They will release the latest amount of ..... funds to the struggling economy, which the Greek government will need in order to meet costs and pay bills.
3. The companies were ranked on various measures of corporate success , and were then divided into three groups: top performers, average firms and .....
4. The economic..... will result in hotel development, small-business development and employment opportunities in the tourism industry.
5. .... in international market and relatively under-developed domestic commodity markets cause potentially high risk for market participants.
6. Right now, Europe has high interest rates compared to the U.S. and Japan and it is receiving huge capital ..... from China.
7. Yet another worry has grown more salient in the post-crisis period: the demand ..... imposed on the global economy by surplus countries

Part

a) slimmed down    b) boost    c) spur  
d) bounce back    e) slumped    f) stifle

8. Migration to California appears to have slowed in recent years after the economy .....
9. Nokia Corporation downsized its workforce to reorganize its IT operations. In doing so, the company ..... its employee strength in the IT department.
10. Scottish firms expect to ..... output and create more jobs according to the latest survey from the CBI.
11. In effect, large government budget deficits and the gross debt they generate can ..... the future economy.
12. "Business prepares to ..... from recession .The nation is feeling positive despite some hard times", reports John Greenlees.

۳ Part

a) hamper    b) rebound    c) propping up    d) stumbling  
e) nosedive    f) shrunk    g) decouple    h) accelerate    i) crippled

13. After the war, the British and American economies ..... at first, but then started a period of strong and sustained growth with low unemployment.
14. After years of declining prices, there are at last signs that the American gas market has begun to .....
15. China has gone from a third world country, to a major economic superpower, exporting advanced technology, and ..... crippled American and European economies.

16. Our state's energy economy has been ..... and failing to deliver a healthy and robust economy with jobs that benefit our communities and environment.
17. Hitler began an extensive program of road building, rearmament, and this helped to solve the unemployment which ..... many economies at the time.
18. A decrease in the stock market would act as a powerful brake on demand and thus cause the US economy to ..... into a recession.
19. Abundance of liquidity may ..... the ability of monetary policy to influence the level of economic activity and inflation.
20. The President says that cutting taxes will help to ..... economic growth.

Part

a) dodgy	b) resilient	c) bleak
d) full-blown	e) burdened	f) burgeoning

21. If the economy's future looks ....., Gorbachev's future looks no better.
22. U.S. banks could lose as much as \$1 trillion dollars if the current money troubles in Europe were to lead to a .....financial crisis.
23. The ongoing recovery in the labor market should mean that the economy is more .....to energy price increases.
24. Over the past two years a new and ..... economy has grown quietly in the tech sector.
25. Asian economies are not ..... with the debt problems of those in the developed world.